



### نسخه بومی الگوی توسعه

من در یکی دو تا دیدار دانشجویی سفرهای سال گذشته در مشهد و سمنان، راجع به مسئله الگوی توسعه صحبت کردم؛ الگوی توسعه ایرانی، الگوی توسعه بومی، که ما برای توسعه کشور به سراغ نظریات دانشمندان اروپایی نرویم. نمی‌گویم از علم آنها استفاده نکنیم؛ اما نسخه آنها مال خودشان است. علم آنها را یاد بگیریم؛ اما نسخه بیماری خودمان را در خودمان بنویسیم، تا مورد اعتماد خودمان باشد، تا بتوانیم به آن تکیه کنیم.
امطینان کنیم. حالا اگر اعتماد به نفس نباشد، می‌گوییم آقا مگر ما می‌توانیم؟ این همه دیگران تجربه کردند، ما حالا چه بالاتر از آنها می‌خواهیم بیاییم؟ این، نبود اعتماد به نفس تحصیلمکرده‌های ما همین را می‌گویند. ما مکتبم الگوی توسعه بومی تهیه کنیم، می‌گویند آقا کدام الگوی توسعه بومی؛ مگر می‌شود؟! ببینید، این همان رسوبات باقیمانده از گذشته است؛ نبود اعتماد به نفس است...

غری‌ها، اروپایی‌ها یکی از شیرین‌کارترین کارهایشان که به نفع خودشان تمام شد، این بود که آمدند نخگان کشورهای دیگر را در مشت گرفتند، افکار خودشان را به اینها تلقین کردند؛ بعد اینها را رها کردند توی کشورهای خودشان، گفتند نیز رسیده است. ایجاد یعنی انگلیس، فرانسه و بقیه کشورها- به جای اینکه پول خرج کنند تا افکار سیاسی خودشان را در آن کشورها پیاده کنند، تربیت‌شده‌های آنها رفتند بدون مزد و منت، کارهای آنها را برایشان انجام دادند. جزو بلاهای کشورها عقب‌مانده و توسعه‌نیافته، یکی این بود...اهمیت اعتماد به نفس این است که اگر ما اعتماد به نفس ملی پیدا کردیم، این استعدادها خواهد جوید؛ آن وقت موفق دید که می‌توانیم...

۱۳ دی ماه ۱۳۸۶

### تربیین دانشجویی

### علوم آزمایشگاهی

### رشته‌ای که رو به نابودی است

#### حمیدرضا فکری‌آر\*

این روزها بحث در مورد آینده رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌های علوم پزشکی و بازار کار آنها در جامعه داغ است و بسیاری از خانواده‌ها تمایل دارند فرزندانشان در رشته علوم تجربی تحصیل کنند اما باید گفت در عالم واقع اینگونه نیست.

دانشجویان رشته علوم آزمایشگاهی یک نمونه بارز از این مسئله هستند. این دانشجویان با توجه به اینکه رتبه‌های خوبی در کنکور کسب کرده‌اند و تفاوت بسیار زیادی با قبول شدگان در رشته‌های پزشکی و دکترای حرفه‌ای ندارند، اما آینده شغلی کاملاً متفاوتی با دانشجویان پزشکی دارند.

دانشجویان مشغول تحصیل در رشته علوم آزمایشگاهی نسبت به دانشجویان پزشکی، درس علوم پایه را بیشتر و تخصصی می‌گذرانند و به دلیل همین وابستگی نام دیگر این رشته «کارشناسی پزشکی» یا «تکنولوژی پزشکی» است و به همین جهت این رشته از درجه اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که پزشکان ۷۰ درصد موارد برای تشخیص و درمان، بیمار را به کارشناسان علوم آزمایشگاهی ارجاع می‌دهند.

با این توصیف اما اوضاع برای دانشجویان دانش آموختگان این رشته دانشگاهی چندان مساعد نیست. دانشجویان این رشته از کمبود امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی و همچنین درآمد پایین پس از دانش آموختگی در بازار کار گله دارند و با اینکه از بسیاری از هم دانش‌سکده‌ای خود رتبه بهتری داشته‌اند و زحمت بیشتری کشیده‌اند اما درآمد پایین‌تری دارند، به طوری که حتی از برخی کارگران هم درآمد کمتری دارند ولی در دانشگاه باید همان دروس رشته پزشکی را بگذرانند اما بیرون از دانشگاه در آمد بسیار پایین‌تر و نفوذ کمتری دارند.

باین اوصاف اما از نظر آموزشی مسائلی وجود دارد که برای دانشجویان علوم آزمایشگاهی دردناک است، با توجه به ظرفیت‌های پایین کارشناسی ارشدان رشته، دانشجویان سایر رشته‌ها نیز در آزمون کارشناسی ارشد این رشته شرکت می‌کنند و همان ظرفیت محدود، محدودتر می‌شود. از طرف دیگر امتیاز ثبت آزمایشگاه از دانش آموختگان این رشته گرفته و به پزشکان داده می‌شود و دکترای حرفه‌ای این رشته هم بدون دلیل حذف شده است.

در واقع می‌توان گفت مشکل از آنجا آغاز می‌شود که در مورد تمام موارد درمانی و علوم پزشکی، این پزشکان هستند که تصمیم‌گیری می‌کنند و شاید همین موضوع باعث شود حق بسیاری از پرسنل و دانشجویان علوم پزشکی ضایع شود.

آنچه باید به عنوان راه حل در این رابطه در نظر گرفته شود این‌هاست که در قالب واگذاری امور به تصمیم گیران متخصص آن رشته اجرایی کرد تا با توجه به شرایط جامعه و آینده افسرد دانش آموخته در آن رشته‌ها، تصمیمات بهتری گرفته شود.

♦**دانشگاه کارشناسی علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی بابل**

# دانشگاه

آیین‌نامه جدید دوره دکتری و یک سؤال مبنایی

# آیین‌نامه جدید برای رفع بیکاری دکترا



کشور در همین زمینه، حرف دیگری می‌گوید و وزارت علوم را مشخصاً موظف کرده‌است تا با پیوند زدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی به طرح‌های کلان شورای عالی عتف،زمینه کارآموزی و اشتغال آنها و همچنین رفع فوری ترین نیازهای کشور را در بخش‌های گوناگونی فراهم کند. بر اساس آنچه در سایت وزارت علوم و خبرگزاری‌های کشور منتشر شده، کاهش طول دوره تحصیل، امکان جبران درس افتاده، امکان جبران آزمون مستلزم توجهی ویژه است. چه اینکه مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان دوره دکتری کم کم دارد به معضلی همه گیر و ملی تبدیل می‌شود. سال گذشته یکی از معاونان وزیر علوم، رقم دکترهای بیکسار را ۵۰ هزار نفر اعلام کرده بود. طبیعتاً با توجه به عدم تغییر متغیرهای اقتصادی کلان کشور، از آن زمان تا کنون بر این عدد افزوده شده است. بر همین اساس، شاید مهم‌ترین سؤال در دوره آیین‌نامه جدید این باشد که عملی شدن آن، چه سنگی را از پیش پای اشتغال فارغ‌التحصیلان دکتری بر خواهد داشت؟

دقت در محتوای آیین‌نامه مذکور اما متأسفانه نشان می‌دهد بندها و تبصره‌های مختلف آن توجهی به این مسئله حیاتی نداشته‌اند. گو اینکه مسئولان وزارت علوم نیز معتقدند یگانه تکلیف دانشگاهها، تربیت فارغ‌التحصیلان بیکار و تحویل دادن آنها به جامعه‌است‌حال‌آنکه‌استادبالادستی مذکور نشان از اصرار وزارت علوم بر ادامه راهی

مقالات رایگان برای خارجی‌ها ادامه می‌دهند و نتیجه چندین سال پژوهش طاقت فرسای خود را در قالب مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله، به رایگان در اختیار آنها می‌گذارد که خود، بعضاً به نان شب محتاجند! در مقابل، وزارت علوم طی سال‌های قبل با بهانه تعجیل در فرآیند تصویب، تقریباً غالب طرح‌های کلان شورای عالی عتف را به تعطیلی کشانده‌است.دکتر کبکانیان، قائم‌مقام ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور تابستان ۹۴ در همین زمینه گفته بود:«متأسفانه غالب طرح‌های کلان ملی تقریباً متوقف شده و در حال حاضر از مجموع ۲۷ طرح کلان ملی فناوری تنها هفت طرح کلان از حمایت مالی نسبی برخوردار است.» کلران دانشجوی،وزیر علوم دولت دهم نیز در اعتراض به توقف طرح‌ها اظهار داشته‌است:«طرح‌های کلان را از زمانی که شروع کردیم تا تصویب دوسال طول کشید،اگر تعجیلی صورت گرفته می‌توانند حالا برنامه‌ریزی کنند و بدون تعجیل طرح‌ها را تصویب کنند، چرا به کلی از بین می‌برند؟»

ابلاغ آیین‌نامه جدید دوره دکتری هر چیزی را اثبات نکند، این موضوع را ثابت می‌کند که مهم‌ترین مانع ارتباط صنعت و دانشگاه در سطح کشور، چرخه معیوب تولید فارغ‌التحصیل تحصیلات تکمیلی است. انتقادات به آیین‌نامه جدید اما به همین محدود نمی‌شود. علی‌اکبر مومنی ملکشا، دبیر سابق شورای صنفی دانشگاه صنعتی شریف که بیشتر از منظر صنفی به‌بندهای موجود در این آیین‌نامه می‌نگرد، در همین زمینه می‌نویسد:«خبراً در یک سکوت خبری آیین‌نامه جدیدی از طرف وزارت علوم برای مقطع دکتری به دانشگاه‌های کشور فرستاده شده است که تغییراتی خطرناک نسبت به دستورالعمل‌های قبلی داشته‌است!» از نظر مومنی، مواد ۱۱۹ و ۲۰

آیین‌نامه جدید در تعارض جدی با منافع صنفی دانشجویان قرار داشته و مقدمات تبدیل دانشگاه به دانشگاه تحقق بخشد. ایجاد اشتغال برای دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی و تولید دانش مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور نیز از دیگر اهداف تعریف طرح‌های کلان ملی است. وزارت علوم اما گویا همچون گذشته، همچنان بر تولید علم رایگان برای خارجی‌ها اصرار دارد. چنانکه می‌دانیم سطح بسیاری از مقالات تولید شده به وسیله دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور، مدت کوتاهی بعد از تصویب واقعی صنعت کشور بوده و عملاً کارپردی برای حل معضلات کنونی ما در ایجاد مختلف ندارند. این مقالات عمدتاً انگلیسی‌زبان اما بسیار برای حل معضلات مبتلابه کشورهای پیشرفته و صنعتی مفید هستند! در این شرایط، دانشجویان ما در حالی به تولید

### نگاهی به نتایج افزایش اردوهای جهادی

## سفر دانشجویی بارنگ خدمت به محرومان

شده‌است که استان‌های کرمان، تهران و کهگیلویه و بویراحمد بیشترین تعداد اعزام را داشته‌اند.» این مدعا را به خوبی اثبات خواهد کرد. ۱۶ اسفند ماه سال گذشته، داوود گودرزی، رئیس سازمان بسیج دانشجویی طی نشستی خبری به رسانه‌ها گفته است: «از ۱۳۸۵ تا ۹۵ گروه اردوی جهادی تا به امروز اعزام شده‌اند که ۵۵ هزار دانشجوی در آن شرکت کردند که یک‌سوم آن خواهر و برادران بوده‌اند.» اشاره گودرزی البته تنها به اردوهایی است که در زیرمجموعه بسیج دانشجویی برگزار شده‌اند. حال آنکه طی سال‌های گذشته، دیگر تشکل‌های دانشجویی انقلابی نیز به جره بر گزار کنندگان اردوهای جهادی دانشجویی پیوسته‌اند و دانشجویان را برای ای خدمت به مناطق محروم کشور اعزام کرده‌اند. گودرزی با اشاره به خدمات‌رسانی گروه‌های جهادی به ۴ هزار روستای کشور در سال ۹۵، گفته است: «گروه‌های جهادی در سال ۹۵ خدمات مختلف بهداشتی، فرهنگی، درمانی، عمرانی و کشاورزی آموزشی را داشته‌اند.» گودرزی در تشریح دستاوردهای کلی اردوهای جهادی(اعم از دانشجویی و غیردانشجویی) نیز گفته است: «مسال ۶۰۰ پزشک، ۱۰۰۰ روحانی، ۲۰۰ مشاور برای امور مشاوره‌های خانواده و ۱۰۰ استاد برجسته و مطرح در اردوهای جهادی شرکت کردند. ۱۲۲ هزار نفر در سال ۹۵ خدمات درمانی دانشجویی و ۷ هزار کار فرهنگی و ۱۸۰۰ پروژه عمرانی انجام

شده‌است که استان‌های کرمان، تهران و کهگیلویه و بویراحمد بیشترین تعداد اعزام را داشته‌اند.» این مدعا را به خوبی اثبات خواهد کرد. ۱۶ اسفند ماه سال گذشته، داوود گودرزی، رئیس سازمان بسیج دانشجویی طی نشستی خبری به رسانه‌ها گفته است: «از ۱۳۸۵ تا ۹۵ گروه اردوی جهادی تا به امروز اعزام شده‌اند که ۵۵ هزار دانشجوی در آن شرکت کردند که یک‌سوم آن خواهر و برادران بوده‌اند.» اشاره گودرزی البته تنها به اردوهایی است که در زیرمجموعه بسیج دانشجویی برگزار شده‌اند. حال آنکه طی سال‌های گذشته، دیگر تشکل‌های دانشجویی انقلابی نیز به جره بر گزار کنندگان اردوهای جهادی دانشجویی پیوسته‌اند و دانشجویان را برای ای خدمت به مناطق محروم کشور اعزام کرده‌اند. گودرزی با اشاره به خدمات‌رسانی گروه‌های جهادی به ۴ هزار روستای کشور در سال ۹۵، گفته است: «گروه‌های جهادی در سال ۹۵ خدمات مختلف بهداشتی، فرهنگی، درمانی، عمرانی و کشاورزی آموزشی را داشته‌اند.» گودرزی در تشریح دستاوردهای کلی اردوهای جهادی(اعم از دانشجویی و غیردانشجویی) نیز گفته است: «مسال ۶۰۰ پزشک، ۱۰۰۰ روحانی، ۲۰۰ مشاور برای امور مشاوره‌های خانواده و ۱۰۰ استاد برجسته و مطرح در اردوهای جهادی شرکت کردند. ۱۲۲ هزار نفر در سال ۹۵ خدمات درمانی دانشجویی و ۷ هزار کار فرهنگی و ۱۸۰۰ پروژه عمرانی انجام



مناطق محروم کشور مدد می‌سازند و از سویی دیگر، با به تن کردن رخت کارگری برای خدمت به فروودست‌ترین اقشار اجتماع، بست نفس و خودپرستی را در درون خود شکسته، مسلمان‌تر می‌شوند شاید به جرت بتوان گفت این سازندگی مقدس‌ترین غنیمت باقی‌مانده از این سفرهاست چراکه همیاری و کمک به سایرین برای ساختن فضای فرهنگی و مذهبی در محیطی که رنگی از ریا و نمایش‌های شهردی ندارد، خودسازی در درون را به اوج می‌رساند. طبیعتاً چنین فردی پس از حضور مجدد در سطح دانشگاه، خود تبدیل به یک موتور تبلیغات فرهنگی و سدی آهنین در مقابل نفوذ فرهنگ و سیاسی غرب در جامعه دانشگاه خواهد شد. اردوهای جهادی در واقع، بستر پرورش مجاهدانی است که حاضرند در مسیر تداوم راه شهدای انقلاب اسلامی، در عرصه‌های مختلف فعالیت کنند. امام(ره) فرمود: «تنها کسانی با ما تا آخر خط می‌مانند که در دققر و محرومیت را چشیده باشند.» و اردوهای جهادی قیقاً همان جایی است که دانشجویان فرصت چشیدن طعم فقر را پیدا می‌کنند. مرور خبرهای اعزام گروه‌های جهادی دانشجویی در نوروز ۹۶، عزام گروه‌های ۱۰۰۰ نفری دانشجویان هر استان به مناطق محروم کشور خیر می‌دهد. ایین یعنی آنکه در آستانه ده پنجم انقلاب، پتانسیل‌های نرم‌افزاری موجود در مجتمع دانشگاهی کشور برای ادامه راه صحیح انقلاب اسلامی، نه تنها دچار کاستی نشده، که رو به فزونی رفته‌است. طبیعتاً در چنین فضایی، تحلیل فرآیندهای اجتماعی موجود در جامعه ایرانی با تکیه یکسویه بر تمایل توده‌های مختلف به سمت مدرنیزاسیون، مصداق مسلم یک اشتباه علمی خواهد بود. با توجه به طیف متنوع دانشجویان شرکت کننده در اردوهای جهادی شاید بتوان این اشتباه علمی را چنین تصحیح کرد که: ظاهر شدن مظاهر زندگی مدرن در سبک زندگی ایرانیان، هرگز به معنای غلبه ارزش‌های غربی در جامعه ایرانی نیست. چنانکه پیش از این گفته شد، مصداق مورد استناد این ادعا تنها گسترش کمی اردوهای جهادی نیست. پرشورتر شدن هر ساله مراسم عاشورا، اعتکاف، ربعین و... نیز دیگر مصداق همین موضوعند.

### حرف استاد

### دانشگاه‌های پولی

### سطح علمی کشور را کاهش می‌دهند



دکتر مجید عیاسعلی زاده

استادیار گروه مکانیک دانشگاه ارومیه

باید دانشگاه‌ها استاد تعامل داشته باشند و اگر تعداد دانشجویان زیاد باشد استاد فرصت رسیدگی به تحقیقات دانشجویا ندارد، بنابراین نباید بیش از حد نصاب دانشجویی ورودی در دانشگاه‌ها بپذیریم و به هر نحو که شده فارغ‌التحصیل را وارد جامعه کنیم، در این صورت ناخودآگاه کیفیت را فدای کمیت کرده‌ایم.

زمانی که تعداد دانشجوی پذیرش شده تحصیلات تکمیلی از حد مجاز فراتر رود به طور طبیعی استاد نمی‌تواند با دقت پایان‌نامه‌های دانشجویان را بررسی کند که این امر ضربه بزرگی به فارغ‌التحصیلان وارد خواهد کرد.

تحصیلات تکمیلی اگر برای تمایل شخصی و برای کسب اطلاعات تخصصی باشد امری بجاست اما اگر به قصد کاریابی باشد در آینده به علت نبود زیرساخت‌های مناسب برای جذب تحصیلکرده‌ها بر اساس پتانسیل هر شخص، با مشکل مواجه شده و افراد فارغ‌التحصیل دچار افسردگی می‌شوند.

متأسفانه برخی دانشگاه‌ها همچون دانشگاه آزاد که شهری به دریافت می‌کنند و در مقطع کارشناسی ارشد ورودی نداشته‌اند در مقطع دکتری دانشجویی می‌پذیرند، این مراکز چون می‌بینند تعداد فارغ‌التحصیلان از رشد افزایش یافته در صد پذیرش دانشجویان دکتری هستند، باید توجه کرد که این دانشگاه‌ها سطح علمی کشور را کاهش می‌دهند.

افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان باید با ساختار و تجهیزات دانشگاه‌ها همخوانی داشته باشد، لذا باید در کنار پذیرش تعداد بالای دانشجو در دانشگاه‌های همچون دانشگاه آزاد، عواملی چون تعداد اعضای هیئت علمی، امکانات دانشگاه، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی تدارک دیده شود و تنها برای جنبه اقتصادی اقدام نشود.

### روایت دانشجویی



### لعلت به تعطیلی

#### مریم رضوی

همیشه تعطیلات را دوست داشتم. هیچ وقت نفهمیدم چرا آدم‌ها با عید نوروز و رفت و آمد‌هایش اینقدر پدر کشتگی دارند و پشت سرش بد می‌گویند. بابا دم ده‌های عید که می‌شد می‌گفت: «لعلت به این همه تعطیلی» ماما ن پشت بندش ادامه می‌داد: «مرا که سه برابر کار کرده، از صبح تا شب مهمون بازی.»

اما من همین مهمان بازی‌های الکی را دوست داشتم. اینکه شب برویم خانه همان مهمانی که صبح آمده بودند دیدنمان، اصلاً به نظرم مبتذل نمی‌آمد. خیلی هم خوب بود. عیدی‌هایی که صبح بابا داده بود را شب بهمان برمی‌گرداندند و ما از ذوق ششمردن عیدی‌ها خواب به چشمانمان نمی‌آمد. هزار تا نقشه می‌کشیدیم برای خرج کردنش. همین مداد رنگی‌های جعبه فسلی ۲۶ رنگ، سوغات همان عیده‌های دوست‌داشتنی و عیدی‌هایی است که تصمیم شده بود. امسال ولی همه فرق می‌کرد. قبولی در دانشگاه و دوری از خانواده باعث شده بود که بیشتر از قبل منتظر تعطیلات عید باشم و روزشماری کنم. البته ازین جهت مثل سال‌های گذشته بود با کمی چاشنی هیجان و استرس. خوابگاه فته آخر اسفند تعطیل می‌شد و ما مجبور بودیم برگردیم شهرهایمان. البته که خیلی هم خوشحال بودم از این مرخصی زودهنگام.

وقت خداحافظی، مسئول خوابگاه برای ببار چندم تأکید کرد که دوازده از ۱۴ فروردین برگردیم که توی شهر غرب سردرگم می‌شویم. خوابگاه باز نیست. چه می‌دانستم، اولین تجربه‌ام بود. توجهی نکردم و گوله پشتمی‌ام را انداختم و به نشانه خداحافظی دستنی تکان دادم و لیخندی حواله‌اش کردم.

از دهم فروردین دغدغه بازگشت به دانشگاه افتاد به جانم. چهاردهم ساعت ۸ صبح باید به کلاس می‌رسیدم. آنفلوآنزای بهم‌مان باعث شده بود نتوانم چند جلسه کلاس را شرکت کنم و دیگر زمانی برای غیبت نداشتم. از طرف دیگر هم استاد برای اینکه تبیلی ۱۴ فروردین را از من دور کند و نگذارد زیادی در خوشی غرق بشویم، همان روز را موعد امتحان انتخاب کرده بود.

پیدا کردن بلیت برای دقیقاً شب سیزده بدر کار آسانی نبود. نه اینکه بلیت نباشد، نه، همه چیز آنقدر در تعطیلی فرو رفته بود که آدم خوف برش می‌داشت. در بهترین حالت ساعت سه نیمه شب می‌رسیدم به مقصد و باید تا صبح منتظر روشن شدن هوا می‌ماندم.

تصور ماندن در نمازخانه یا سالن خلوت پایانه، استرس و ترگانی به جانم می‌ریخت. در نهایت هم بابا اجازه بازگشت به دانشگاه را در آن ساعت صادر نکرد. گفت بمان و فردا برو. حالا یک درس و امتحان در دست رفتم که فدای سرت، اگر اتفاقی برایت بیفتد دانشگاه جواپوگوست یا استاذ؟

ماندم و درس مهم آن ترم حذف شد.